

در آمدی بر توسعه پایدار

نویسنده: فریدون رستمی*

پیشگفتار

توسعه در ادبیات اقتصادی به معنی فراگرد دگرگونی (پیشرفت) اقتصادی و اجتماعی در درون کشورها شناخته شده است^(۱) که بانماگرهایی همچون سطح درآمد، سهم صنعت/ خدمات در تولید ملی، سهم صادرات صنعتی، انباشت سرمایه، پس‌انداز ملی، تغذیه و بهداشت، توزیع درآمد و..... اندازه‌گیری می‌شود. همه این نماگرهای اقتصادی و اجتماعی به گونه‌ای بیانگر اهمیت ارزش افزوده در تولید کالا و خدمات است که خود بیانگر سهم و نقش نیروی انسانی در فرایند تولید آنها می‌باشد.

بنابراین هر گاه که از پیشرفت (توسعه) اقتصادی سخن می‌گوییم، منظور نقش نیروی انسانی و نیروی اندیشه در تولید را در نظر داریم.

پس شاید بتوانیم نیروی اندیشه را عامل اصلی در توسعه بدانیم و بنابراین کشورهایی که از نیروی اندیشه بیشتر استفاده می‌کنند، توسعه یافته‌ترند چرا که می‌توانند بر پایه خرد انباشته شده (فناوری، فوت و فن، هنر مدیریتی و...) و در دسترس برای بهتر کردن شرایط زندگی انسان‌ها استفاده کنند که نمونه‌هایی چند از این کشورها را که بدون برخورداری از منابع طبیعی بسنده، توانسته‌اند سطح زندگی برای مردم خود را به اندازه چشمگیری افزایش دهند و در زمره برترین‌های جهان باشند، می‌توان نام برد.

بنابراین رکن اصلی توسعه انسان است که امروزه بر پایه عباراتی همچون دانایی محوری، دانش محوری و اصطلاحات دیگر در ادبیات توسعه نمود یافته است. اما انسان به تنهایی نمی‌تواند شرایط زندگی را دگرگون کند بلکه نیازمند استفاده از دیگر عوامل تولید در توسعه اقتصادی است که استفاده از منابع طبیعی همچون زمین، مواد اولیه، ابزار از آن جمله‌اند.

اما چنانچه می‌دانیم منابع طبیعی کمیاب و یا محدود هستند و در نتیجه استفاده بهینه از آنها موضوع مورد بررسی علم اقتصاد است. پس می‌توان توسعه را دگرگونی نقش انسان در تولید کالاها و خدمات دانست که افزایش این سهم نشانگر گام برداشتن در راه توسعه یافتگی است. به بیان دیگر، توسعه یافتگی بهتر شدن نماگرها در طول زمان بر پایه رشد ارزش افزوده است. به دیگر سخن، توسعه فرایند افزایش رفاه در جامعه بر پایه بهم‌آمیزی نیروی انسانی و دیگر عوامل در تولید کالاها و خدمات است و اینجاست که کاهش

سهم نسبی منابع طبیعی در تولید حکایت از توسعه یافتگی دارد.^(۲)

توسعه پایدار نیز زندگی بهتر برای انسان‌ها و استفاده معقول و مناسب از منابع طبیعی را مدنظر دارد و بنابراین یک پدیده عمدتاً اقتصادی است که کوشش می‌شود تا در زیر و با توجه به آخرین تعاریف مورد بررسی قرار گرفته و اهمیت آن برای کشور روشن شود.

پدیده توسعه پایدار

در عصر نوین که با انقلاب صنعتی آغاز شد، استفاده از منابع طبیعی و توفیق بر طبیعت و مهار آن با استفاده از ابزارآلات هر چه پیچیده‌تر و

پیشرفته‌تر از اصول اولیه توسعه و پیشرفت بویژه در قاره اروپا و سایر کشورهای صنعتی شناخته شده بود که کاهش سطح جنگل‌ها و یا حجم ذخایر کانی‌های فسیلی و دیگر کانی‌ها و همچنین آلودگی آب، زمین و هوا از نمونه‌های بارز استفاده افسارگسیخته و پرشتاب از منابع طبیعی است.

استفاده هر چه بیشتر از منابع در دسترس و تامین منابع جدید برای برآوردن نیازهای رو به فزونی تا آنجا پیش رفت که رقابت بی‌امانی را بین کشورهای اروپایی برای دسترسی به منابع و بازارها در سایر مناطق جهان به همراه داشت و پدیده استعمار نام یافت. در اروپا نیز کمپانی منابع به تعبیری موجب بروز دو جنگ جهانی شد. البته ویرانی‌های دو جنگ جهانی موجب آن نشد که خواسته‌های اروپاییان و دیگر مردمان جهان برای توسعه فروکش کند تا جایی که کشورهای غربی هدف از سیاست‌های اقتصادی را تامین هر چه بیشتر خواسته‌ها برای شمار هر چه بیشتر مردم دانسته و می‌دانند. این امر موجب شد که جامعه شناسان آن کشورها را به عنوان جوامع مصرفی قلمداد کنند که برخی حرکت‌های اجتماعی در رورابروی با آن شکل گرفت.

نه تنها کشورهای پیشرفته جهان خواهان توسعه اقتصادی هر چه بیشتر بودند بلکه اثر نمایشی آن



پیشرفت‌ها کشورهای دیگر را بر آن داشت تا توسعه اقتصادی را از هدف‌های اصلی برنامه‌های ملی خود قرار دهند که هم اکنون نیز چنین است.

بنابراین توسعه صنعتی، توسعه فراصنعتی و دیگر برداشتها از تعریف و چگونگی فرایند توسعه در ادبیات اقتصادی، اجتماعی و غیره وارد شد و کشورهای گوناگون هر یک به روشی در پی دستیابی به آن، آنهم در رقابت با یکدیگر بوده و هستند. این امر بویژه در رقابت بین "بلوک غرب" و "بلوک شرق" اهمیت بیشتری یافت و پیشی گرفتن هر یک از کشورها یا بلوک اقتصادی از کشورها و بلوک دیگر بدون توجه به چگونگی استفاده از منابع طبیعی بویژه در بلوک شرق مبتنی بر "اقتصاد سوسیالیستی" مشکلاتی همچون باران‌های اسیدی، آلودگی آب و خاک، کاهش ذخایر طبیعی را بدنبال داشت که انتقال آلودگی‌ها بویژه آلودگی هوا از کشورهای بلوک شرق (اروپای شرقی) به سوی غرب مورد مجادله کشورهای دو سو قرار گرفت.

البته و در سال‌های پایانی دهه ۱۹۶۰ دانشمندان به تخریب لایه محافظ زمین (لایه اوزن) پی برده و در کنار برخی مشکلات محیط زیستی دیگر جامعه جهانی را بدان هشدار دادند که بدنبال آن سران کشورهای دنیا در چارچوب سازمان ملل متحد در سال ۱۹۷۲ در استکهلم گرد

آمده و در نشست سران در باره محیط زیست انسان^(۳) اقداماتی را برای اجرا پیش‌بینی کردند که در سال ۱۹۹۲ توسط سران در ریو (نشست زمین)^(۴) و با اقداماتی تحت عنوان دستور کار ۲۱^(۵) مورد پیگیری و بازنگری قرار گرفت، و همچنین در سال ۲۰۰۲ در ژوهانسبورگ (توسعه پایدار)^(۶) بار دیگر بازبینی شد.

جامعه جهانی در ۱۹۷۲ بر این باور بود که دولت‌ها می‌بایست تصمیمات نشست در زمینه اقدامات طراحی شده برای حفظ و بهبود محیط زیست انسان را برای نسل‌های موجود و آتی هر چه سریعتر و بطور موثر به اجرا بگذارند که در ایران با برپایی سازمان حفاظت از محیط زیست از نظر نهاد سازی به مورد اجرا گذاشته شد.

دستاوردهای بیش از سه دهه گفتگوهای بین دولت‌ها به میزبانی سازمان ملل متحد در زمینه محیط زیست پدیده "توسعه پایدار" است.

پدیده توسعه پایدار نیز همچون پدیده توسعه اقتصادی موضوع جنجال برانگیز است و درک لازم از آن در نهادهای کشوری وجود نداشته یا دارای اهمیت لازم نمی‌باشد. اما توسعه پایدار به صورت "توسعه‌ای که نیازهای کنونی بشر را بدون مصالحه توانایی نسل‌های آینده در تامین نیازهای خود برآورده کند"^(۷) تعریف شده است.

این گونه تعریف از توسعه پایدار البته به معنی جستجوی راه‌های بهینه برای تخصیص منابع است به صورتی که نسل‌های آینده نیز بتوانند نیازهای خود را که ممکن است دست یافتنی نباشند، تامین کنند. به عبارت دیگر، تخصیص منابع بصورتی که میزان آن منابع تغییر نکنند، تعریف شده است که امری ناممکن است. در این زمینه اشاره به دو نکته با اهمیت است:

اول آنکه، توسعه پایدار یک پدیده اقتصادی بوده و هدف آن از جمله نوعی تخصیص منابع طبیعی است. دوم آنکه، چون بنا بر تعریف فوق امکان استفاده از منابع طبیعی می‌باید به صورت پایدار باشد تا مورد استفاده نسل‌های آینده نیز قرار گیرد، بنابراین منظور از توسعه پایدار می‌باید به صورتی باشد که میزان منابع طبیعی در ابتدای یک دوره (نسل) بتواند کاهش یافته ولی در انتهای دوره که همان آغاز دوره (نسل) بعد است، می‌باید به همان میزان آغاز دوره اول باشد.

دستیابی به این هدف البته شاید ممکن نباشد ولی اگر منابع طبیعی را به دو دسته تجدیدپذیر و تجدیدناپذیر تقسیم‌بندی کنیم، می‌توانیم بخشی از مشکل را حل کنیم و آن اینک از منابع تجدیدپذیر در طول یک دوره زمانی در حد نیاز استفاده کرده ولی اقدام به باز تولید آن نیز بنماییم.

برای نمونه، می‌توان در طول یک دوره یا نسل (سی سال) از منابع جنگلی بهره‌برداری ولی در همان دوره به همان میزان درخت کاشت تا جایگزین جنگل‌های بهره‌برداری شده شود.^(۸)

اما در زمینه منابع تجدید نشدنی همچون نفت، گاز یا ذغال سنگ چه باید کرد؟ اگر کشور نادری با یک میلیارد نفر جمعیت بخواد سطح زندگی کشورهای پیشرفته را بدست آورد، چه مقدار منابع نیاز دارد و آن منابع از چه منبعی می‌بایست تامین شود، و آیا منابعی برای نسل‌های آینده باقی خواهد ماند و چگونه تجدید خواهد شد؟

با این همه، جامعه جهانی (سازمان ملل متحد) در راستای پاسخگویی به پرسش‌های بالا و چگونگی بر طرف کردن نگرانی‌های خود مصمم است و در این راستا و به منظور سنجش وضعیت محیط زیست و منابع طبیعی اقدام به تعریف نماگرهایی برای این امر نموده است تا بتواند توسعه پایدار در کشورها را اندازه‌گیری کند.^(۹)

نماگر های توسعه پایدار (۱۰)

آخرین کوشش‌های سازمان ملل متحد به شناسایی چند زمینه اصلی زیر برای تعریف نماگرها انجامیده است:

آب شیرین- آموزش- اقیانوس‌ها، دریاها و سواحل- تندرستی- تنوع زیستی- توسعه اقتصادی- جمعیت- جو- خشکی‌های روی زمین- رفتارهای مصرفی و تولیدی- شیوه‌های فرمانروایی- فقر- مخاطرات طبیعی- همکاری‌های اقتصادی بین‌المللی.^(۱۱)

بنابراین توسعه پایدار از نظر دولت‌های عضو سازمان ملل متحد یک پدیده فرابخشی است. زیرا با اینکه هدف توسعه پایدار حفظ منابع طبیعی و جانداران بر روی کره زمین از گزند تازش انسان است ولی تامین نیازهای انسان با استفاده از آنها و بصورت بهینه نیز از نظر دور نمانده است. از این رو، اشتغال، فقر، شیوه‌های فرمانروایی، همکاری‌های اقتصادی و غیره به همراه دیگر پدیده‌ها همچون تنوع زیستی و امور مربوط به دریاها آمده است.

جامعه جهانی نه تنها کوشش کرده است زمینه‌های توسعه پایدار را شناسایی کند بلکه نماگرهایی را نیز برای اندازه‌گیری معرفی کرده است که در جدول آمده است. بدیهی است این نماگرها در طول زمان و بر پایه دانش یا یافته‌های نوین بازنگری می‌شوند.

می‌بینیم که دهها نماگر برای اندازه‌گیری جنبه‌های گوناگونی از نیازهای زندگی بشر را برگزیده‌اند که در آینده بنا بر نیاز ممکن است افزایش یا کاهش یابند.

سازمان ملل متحد این نماگرها را بر پایه مطالعات و تجربیات کشورها و در یک دوره چند ساله و در واکنش به نشست سران کشورها در سال ۱۹۹۲ تنظیم کرده است و البته ممکن است همه آنها مورد پذیرش همه کشورها قرار نگیرند.

گذشته از دلایل عدم احتمالی پذیرش برخی از این نماگرها توسط بعضی کشورها، این نماگرها را می‌توان تک تک از جنبه‌های گوناگون بررسی کرد که در این گزارش امکان‌پذیر نیست ولی حداقل از چند دید کلی می‌باید مورد ملاحظه جدی در سطح کلان قرار گیرند:

الف)- منابع طبیعی در هر کشوری نه تنها به باشندگان آن کشور تعلق دارند بلکه نسل‌های آینده نیز نباید از آن بی‌بهره بمانند. پس لازم است راهکار و سازکاری بدین منظور در هر کشوری اندیشیده شود که هدف کلی آن می‌باید حفظ منابع طبیعی موجود در یک دوره زمانی مناسب، و کوشش در احیای منابع از دست رفته باشد.^(۱۲)

ب)- برخی منابع طبیعی همچون دریاها، بیشتر رودخانه‌ها و هوا نه تنها بین نسل‌های کنونی و آتی مشترک هستند بلکه مردمان و کشورهای گوناگون می‌باید از آنها بصورت مشترک استفاده کنند. در این زمینه‌ها البته همکاری با کشورهای دیگر ضروری است ولی طبیعتاً هر کشوری کوشش می‌کند منافع بیشتر و هزینه‌های کمتری را از آن خود کند که تشکیل گروه‌های کارشناسی توانمند برای این منظور توسط دولت در نشست‌های جهانی نه تنها الزامی بلکه می‌تواند منافع ملی را بیشینه کند. به نظر می‌رسد در این زمینه فرصت سوزی‌هایی رخ داده باشد که بررسی عملکرد کشور در پیمان‌نامه‌های محیط زیستی بین‌المللی می‌تواند روشنگر آن باشد.

پ)- چنانچه کارشناسان توسعه می‌پندارند، توسعه در جهان نوین با پیشروی بخش صنعت پدید می‌آید که هر یک از کشورها با توسعه حداقل یک بخش صنعتی توانسته‌اند به سطحی از توسعه دست یابند. در این زمینه برخی از کشورها با توسعه صنایع نساجی، برخی صنایع شیمیایی، برخی صنعت راه آهن، برخی خودروسازی، برخی هواپیما یا کشتی‌سازی، برخی صنایع الکترونیک و..... موجبات رشد صنعت و تولید ارزش افزوده را فراهم کرده‌اند.^(۱۳)

بنابراین کشورهای توسعه یافته بر پایه گسترش یکی از صنایع توانسته‌اند از کشورهای در حال توسعه یا توسعه یافته به جرگه کشورهای پیشرفته به پیوندند. به نظر می‌رسد کشورهای در حال توسعه کنونی نیز عمدتاً از همین روش پیروی می‌کنند در حالی که راه به خطا می‌پیمایند.

امروزه کارشناسان از صنعت "محیط زیست" گفتگو می کنند که از نظر توسعه می تواند همان نقش صنعت پیشرو پیشین را داشته باشد که نگاهی به پیمان نامه های بین المللی گواه آن است. شاید لازم به یادآوری نباشد که تولید علم به معنای آنچه که در سده های ۱۸، ۱۹ و ۲۰ متصور بود، تقریباً به حد نهایی خود رسیده اند و پیشرفت ها تنها در زمینه نوع آوری ها (کاربردهای جدید علم) صورت می پذیرد.

کشورهای پیشرفته نزدیک به دو دهه سرگرم انتقال فناوری های محیط زیستی به کشورهای در حال توسعه در چارچوب آن پیمان نامه ها هستند. یکی از پیامدهای این امر الزام به جایگزینی فناوری بومی شده قدیمی با فناوری نوین است، یعنی وابستگی مجدد به فناوری وارداتی، مگر آنکه در شکلگیری این فناوری ها سهمیم باشیم. نه تنها فناوری های نوین بر پایه ملاحظات محیط زیستی شکل می گیرند بلکه بسیاری از ساختارهای اقتصادی جهانی بر همین پایه در حال دگرگونی هستند. برای نمونه، ملاحظات محیط زیستی می باید در چارچوب سازمان بازرگانی جهانی (۱۴) رعایت شده و یا اینکه مورد نظر سازمان جهانی گمرک (۱۵) است. فزون بر این، بازرگانی خارجی در بسیاری موارد منوط به رعایت الزامات محیط زیستی شده است.

مسائل محیط زیستی از چنان جایگاهی در کشورهای پیشرفته برخوردار شده اند که بازرگانی آلاینده ها (۱۶) نیز در دستور کار برخی کشورهای پیشرفته و سازمان های جهانی قرار گرفته است. (۱۷) این ملاحظات همگی نشان از پیدایی "صنعت" جدیدی دارد که به عنوان موتور توسعه بکار گرفته شود، بویژه از آن جهت که بازرگانی بین المللی بطور روزافزونی ملزم به رعایت استانداردهای محیطی زیستی می شود و کوشش های زیادی برای برچسب گذاری محیط زیستی بر روی شمار هر چه بیشتر کالاها، و حتی خدمات همچون ایزو ۱۴۰۰۰، بیشتر در بازارهای کشورهای پیشرفته انجام می پذیرد. این امر بویژه برای کشورهایی که توسعه اقتصادی خود را بر برونگرایی بنا نهاده اند، با اهمیت است.

بنابراین و با توجه به رشد روز افزون جمعیت و همزمان رشد خواسته های بشر و لزوم توجه به کیفیت زندگی آنهم در شرایط کمبود هر چه بیشتر منابع، استفاده هرچه کاراتر از منابع طبیعی بیش از گذشته ضرورت یافته است که توجه به اصول/نماگرهای توسعه پایدار را الزام آور نموده است.

چکیده سخن

توسعه اقتصادی به فرآیندی گفته می شود که در آن نیروی هر چه بیشتر خرد و اندیشه در برابر اندازه ثابت منابع طبیعی یا خام در فرآوری کالاها و خدمات برای برآوردن نیازهای بشر بکار برده می شود. بشردر برآوردن نیازها با کمیابی منابع طبیعی روبروست.

جامعه جهانی به منظور رویارویی با کمیابی منابع به ناچار می باید از نگاه توسعه پایدار به رشد و توسعه بپردازد. بنابراین حفظ منابع موجود و بازسازی منابع طبیعی از دست رفته در حد امکان از هدف های توسعه پایدار است.

جامعه جهانی به منظور سنجش عملکرد دولت ها و در همکاری آنها کوشش به تعریف نماگرهایی برای توسعه پایدار کرده است تا در طول زمان این عملکردها را ارزیابی و پایش کند. نماگرهای توسعه پایدار همه جنبه های شناخته شده زندگی مردم را مدنظر دارد.

توسعه پایدار از نظر ملی، بین المللی و جایگاه کشورها در سلسله مراتب جهانی قدرت و توانمندی با اهمیت است و دگرگونی عمده ای را بدنبال خواهد داشت که کشورهای در حال توسعه در صورت استفاده از این فرصت می توانند در کاروان پیشرفت باقی بمانند. شرط باقی ماندن در کاروان پیشرفت توجه به امر توسعه پایدار هم از نظر ملی و هم از نظر بین المللی و با تشکیل گروه کارشناسی توانمند است. این امر از آن نظر با اهمیت است که استانداردهای محیط زیستی و توسعه پایدار بطور روزافزونی بر روابط اقتصادی و مبادلات بازرگانی بین المللی سایه می افکند.

*عضو انجمن اقتصاددانان

زیر نویس ها:

- ۱) ن.ک.ب. رشد و توسعه (ا.پ.تیروال)، برگردان دکتر منوچهر فرهنگ و دکتر فرشید مجاور حسینی، چاپ نخست، پاییز ۱۳۸۷.
- ۲) برای نقد نظریه های توسعه در ایران ن.ک.ب: دکتر محمدرضا ابو ترابیان، منطق ریاضی توسعه، انتشارات زال، ۱۳۸۵.

- 3) Stockholm Conference on the Environment
- 4) Earth Summit
- 5) Agenda 21
- 6) Sustainable Development
- 7) " Development that meets the needs of the present without compromising the ability of future generations to meet their own needs"

۸) البته در تولید یا باز تولید خاک به چهار صد سال زمان نیاز است. یا اینکه درختان چند ۱۰ ساله را نمی توان در یک نسل پروراند و اینکه نابودی جانداران دریایی را چگونه می توان جبران کرد. یا اینکه آلودگی آب های زیرزمینی را چگونه می توان رفع کرد. یا اینکه چگونه می توان از بیابانزایی به بیابانزایی رسید؟ و..... و اینکه برخی منابع طبیعی همچون جنگل های هیرکانی در شمال کشور را که مربوط به میلیون ها سال پیش است، دوباره تولید کرد.

۹) در برنامه چهارم جمهوری اسلامی ایران، در نظر است هزینه منابع طبیعی در تولید محاسبه و در حساب های ملی کشور منظور شود. بنابراین با تحقق این هدف دیگر نمی توان بی ملاحظه از منابع طبیعی استفاده کرده و دستاوردهای ناشی از آن را به عنوان هنر مدیریتی دانست و بر شاخ نشست و بن برید چرا که بزرگترین کار برای تامین امنیت حفظ و بهبود وضعیت محیط زیست است.

(۱۰) منبع:

United Nations Division for Sustainable Development (for UN Commission on Sustainable)

11) Atmosphere, Biodiversity, Consumption and production patterns, Demographics Economic development, Education, Freshwater, Global economic partnership, Governance, Health, Land, Natural hazards, Oceans, seas and coasts, Poverty

۱۲) منابع فسیلی یا ذغال سنگ را نمی توان احیا کرد و می بایست خردمندانانه از آنها استفاده کرد ولی زمین های تبدیل به بیابان شده، جنگل های مخروبه، آب های آلوده شده و.... را می توان بازسازی و به حالت اول برگرداند.

۱۳) در این زمینه می توان به منابع بشمارای مراجعه کرد از جمله: دکتر علی رشیدی، نظام سرمایه داری و انقلاب صنعتی اروپا، نشر روزنه کار، ۱۳۸۵.

14) World Trade Organization (WTO)

15) World Customs Organization (WCO)

16) Pollution Trading (or Carbon Trading, nowadays)

۱۷) در اینجا کشوری که بر مبنای پیمان نامه بین المللی تنها می تواند میزان معینی آلودگی تولید کند، از حق امتیاز کشور دیگری که آلودگی کمتری تولید می کند، بهره مند می شود که به معنای "زباله خود را درب خانه دیگری گذاشتن" است - بعید است این روش به این صورت پذیرفته شود.

